

بررسی دلایل ازدواج‌گزینی جوانان

سال‌های جوانی بهار ازدواج است، سال‌ها گذشته‌اند اما شما هنوز در بهارتان تاخیر دارید. چند سالی است به دنبال نیمه‌گمشده‌تان می‌گردید...



بررسی دلایل ازدواج‌گزینی جوانان

سختی‌های یک «بله» گفتن

سال‌های جوانی بهار ازدواج است، سال‌ها گذشته‌اند اما شما هنوز در بهارتان تاخیر دارید. چند سالی است به دنبال نیمه‌گمشده‌تان می‌گردید، اما هر بار به دلیلی یا پس کشیده‌اید، اکثر دوستانتان راهی خانه بخت شده‌اند اما شما هنوز اندرخم اولین کوچه هستید. گاهی دلتان می‌خواهد ازدواج کنید اما گاهی هم منصرف می‌شوید و تنهایی را پیشه می‌کنید. برآستی تاکنون با خود اندیشیده‌اید که چرا ازدواج‌گزین شده‌اید؟

نمی‌خواهید به درد دیگران دچار شوید؟

گوش تان پر از قصه‌های نیمه تمام زوج‌هایی است که هر روزه در میدان جنگ زندگی زناشویی دست و پنجه نرم می‌کنند. داستان‌های داغ اما مشترک برخی از آنها، تنها یک تعریف از زندگی مشترک را به ذهنتان متبادر می‌سازد: زندگی مشترک یعنی بحث و جدل، نبود آرامش و سوختن و ساختن. این واقعه چنان ترسی بر دلتان می‌افکند که نگو و نپرس. حال اگر خود نیز فرزند طلاق باشید و یا آن که از نزدیک شاهد به هم خوردن زندگی دوستان و آشنایانتان بوده باشید، شدت ترس بیشتر شده و چنان لرزه‌ای بر تن تان می‌افتد که حتی نمی‌توانید بدترش را تعیین کنید.

راه حل

واقع بین باشید و بدانید هیچ دعوایی یکطرفه نبوده و مجرم همیشه یک نفر نیست، شما فقط شاهد قضاوت‌های یکجانبه یکی از طرفین بوده‌اید. هیچ فکر کرده‌اید که شاید غلو می‌کند یا آن که برای متهم کردن همسر یا بی‌گناه جلوه دادن خود، و برای به رحم آوردن دل مخاطبان، چنین بیش از حد ضجه می‌زند؟

بپذیرید شما زندگی خود را دارید و قرار نیست مثل دیگران زندگی کنید، همان طور که مثل دیگران فکر نمی‌کنید. به صرف ترس از مبتلا شدن به بحران، از اصل واقعه فرار نکنید. بهتر است نگاهتان را گسترده‌تر نمایید و تنها به بخشی از واقعیت تلخ زندگی‌های شکست خورده‌گان توجه نکنید، چه بسا اطراف شما پر از زوج‌های شاد و خوشبختی هستند که مردانشان همان شاهزاده‌های سوار بر اسب‌اند و زنانشان سیندرلای معروف!

این حقیقت را بپذیرید که غم و شادی لازم و ملزوم یکدیگرند و در کنار هم معنا می‌یابند، این که تنها روی یک طرف سکه تمرکز کنید، چندان شایسته نیست. بدانید در موفق‌ترین ازدواج‌ها نیز، روزهای شاد و آرام در کنار لحظات غم و ناامیدی سپری خواهند شد. پس با این انتظار، به پا خیزید و به جای توقف و درجا زدن، مهارت‌های زندگی و همسرداری یاد بگیرید تا بتوانید بحران‌های ناگزیر را مدیریت کنید و از زیر بار مشکلاتی که دیگران کمر خم کرده‌اند، رها شوید.

به دنبال سیندرلا یا شاهزاده سوار بر اسب هستید؟

وسواسی شده‌اید و مته به خشخاش می‌گذارید، چون به دنبال ایده آل‌ترین هستید، با افرادی که مناسب ازدواج با شما هستند مواجه شده‌اید، اما باز با خود فکر کرده‌اید: شاید گزینه‌های بهتری از این هم باشد؛ پس تعلل کرده‌اید و نخواسته‌اید با «بله» گفتن به یک انتخاب، به باقی انتخاب‌ها «نه» بگویید.

راه حل

اگر گمان می‌کنید فرصت‌های بهتری خواهید داشت و لیاقت شما چیزی بالاتر از افرادی است که به شما معرفی می‌شوند، بی‌تردید دچار وسواس شده‌اید. یک بام و دو هوا بودن، نتیجه‌ای جز شک و شبهه ندارد.

با این طرز فکر شما هرگز نخواهید توانست انتخاب درستی داشته باشید و فرصت‌های ایده آل تان را هم از دست خواهید داد. بهتر است فکر یافتن بهترین‌ها را از سرتان بیرون کنید، به یقین بدانید بهترین وجود ندارد، حتی بهترین‌ها هم معایبی غیرقابل تحمل دارند. توصیه می‌شود هرگز آرمانگرایی نکنید، اما با شناخت و گام به گام پیش بروید. خود و نیازهایتان را خوب بشناسید و به دنبال اولویت‌های اصلی در ازدواج باشید.

روی قلب تان تابلوی ورود ممنوع چسبانده‌اید؟

یک بار برای همیشه، درد عشق را چشیده‌اید. جراحات التیام نیافته عشق نافرجام هنوز بر قلبتان، بیشتر می‌زند آن چنان که گویی هیچ مرهمی برای تسکین آن نیست. برای اجتناب از دیگر شکست‌های عاطفی، دور عشق و عاشقی را خط قرمز کشیده‌اید و تابلوی ورود ممنوع بر دروازه قلب تان چسبانده‌اید، به گونه‌ای که هیچ فردی نمی‌تواند حتی از کنار آن عبور کند.

راه حل

شش ماه فرصت مناسبی است که بار هیجانی منفی تان فروکش کند، اما اگر مدت زمان بیشتری از جدایی می‌گذرد و هنوز در

سوگ عشق از دست رفته نشسته آید یا در خشم بسیار غرق هستید، بدانید شما در مرز خطر قرار دارید. اگر محافظه کار شده آید و به همه افراد جنس مخالف شک دارید و همه آنها را از یک گروه می بینید، سریع تر با کمک یک مشاور مجرب، مشکل را حل کنید. با برطرف کردن آسیب های روانی - عاطفی گذشته می توانید از تعمیم تجارب به موقعیت های دیگر رهایی یابید و لذت دوباره عاشق شدن اما درست «دل دادن» را تجربه کنید.

سعی کنید تجربه تلخ گذشته را مایه عبرت تان بسازید و از آن بهره ببرید چون بخوبی بهای آن را پرداخت کرده آید. با شناخت علت شکست و چگونگی رفع آن، در دلدادگی های بعدی می توانید با تبحر و مهارت برخورد کنید و پیروز باشید.

وقتی مادیات حرف اول را می زند

بسیاری از جوانان، بویژه پسران جوان، نداشتن شغل و درآمد را مانع اصلی تمایل به ازدواج می دانند. این در حالی است که دختران هم معتقدند عشق، نان و آب نمی شود. چه بسا اندک نیستند پسرانی که کاسه چه کنم چه کنم به دست گرفته اند و به دنبال کار، گرد شهر می چرخند و دخترانی که از غم نبود جهیزیه می نالند!

راه حل

شغل و حقوق مکفی پسران و جهیزیه دختران از ضروریات اولیه تشکیل یک زندگی مشترک است. اما گاهی ما دچار خطای بلندپروازی می شویم و یکشنبه، ره صدساله را می خواهیم طی کنیم. متأسفانه این روزها تجمل گرایی و مصرف گرایی داستان زندگی دارا و نادر شده است، حفظ پرستیژ و شخصیت، اصلی بنیادین در انتخاب هاست و این چنین می شود که هیچ کس سر جای خود قرار نمی گیرد و همیشه در عذاب است.

سعی کنید به حداقل کار مفیدی که روزی حلال دارد اکتفا نکنید و همسرتان را در سطح خود انتخاب کنید. بسیاری از ما خواهان دختر یا پسر از طبقه بالا هستیم، در حالی که خودمان در رده های پایین تر قرار داریم. اگر حقیقت را آن گونه که هست، بپذیریم، توان حرکت هم خواهیم داشت و خدای بالای سرمان هم برکت را روزی خانه عشق مان خواهد کرد، دقیقاً همچون پدران و مادرانمان!

چشم پوشی از خوشی های زندگی مجردی؛ هرگز

گمان می کنید ازدواج همانا و پایان خوشی ها نیز همان؟ به تنهایی و ایجاد یک حیطه کاملاً شخصی معتقدید، بنابراین ازدواج را مانعی بر سر راه می بینید و نمی خواهید محدود شوید و معتقدید با گفتن یک بله و ورود به دنیای متاهلین، زنجیر به پا و گردن می شوید، آزادی عمل تان از بین می رود و پیشرفت شما برای همیشه مختل می گردد.

راه حل

آیا برآستی همه متاهلین اسیر و زنجیر به پا شده اند و از زندگی شان رضایت ندارند؟ شاید مسئولیت زندگی، همسراری و بچه داری از نظر شما چنین تعریفی داشته باشد، چرا که ممکن است دیگران چنین نظری نداشته باشند و با رضایت خاطر، خود خواهان زنجیر باشند و لذت دوصد چندان نیز از آن ببرند؟

بی تردید شما دچار خطای شناختی شده آید. توصیه می شود در تعریف خود از ازدواج بازنگری کنید. ازدواج هم مثل هر رابطه ای می تواند تغییرات مثبت و منفی بر شرایط کاری و زندگی تان داشته باشد، چیزی نه کمتر و نه بیشتر از دیگر رابطه ها.

هرگز نمی گوئیم با ازدواج، تغییری در زندگی تان اتفاق نمی افتد! بلکه به آن شدت که شما گمان می برید هرگز! وقت آن است که افکار و تصورات افراطی خود را به چالش بکشید و بپذیرید به واسطه ازدواج و مسئولیت های زندگی مشترک، کمیت و کیفیت فعالیت ها و روابط تان دچار تغییر می شود، اما جنس این تغییر و تحول، خواستنی و دوست داشتنی است و لذتی متفاوت از لذت لحظات تنهایی دارد.

گاهی تعهد رنگ می بازد

از مسئولیت ازدواج هراس دارید؟ نمی خواهید خود را درگیر نگرانی ها و مشکلات ناگزیر ازدواج کنید؟ به بهانه های مختلف، از پذیرفتن بار سنگین ازدواج فرار می کنید؟ محدودیت را نمی خواهید و نمی پذیرید و... بی تعارف باید بگوئیم شما از ازدواج و تعهد آن می ترسید، نمی خواهید خود را اسیر مسئولیت کنید و از مصائب تاهل بشدت گریزانید.

راه حل

تا پایان عمرتان می خواهید مجرد بمانید و بدون مونس، روزگار سپری کنید؟ حاصل عمرتان چه می شود؟ به حس هیچ و پوچ بودن چند سال آینده تان اندیشیده آید، به پیری و تنهایی تان چطور؟ و....

شما حال را می بینید و چشم از فردا دزدیده آید! بپذیرید سبک زندگی شما اشتباه است، سبک زندگی آزادانه و غیرمعمول، پاسخگوی نیاز امروزتان است نه فرداها. بی رودربایستی با خودتان خلوت کنید. دلایل انتخاب سبک زندگی آزادانه و فرار از تعهد را جستجو کنید. ببینید چطور می توانید بر ترس متعهد شدن غلبه کنید. بهتر است با کمک یک روان شناس مجرب، مسئولیت پذیری و متعهد شدن را تمرین کنید.

وقتی خانواده ها پای ثابت انتخاب می شود

انتظارهای خانواده تان غیرقابل وصف است، متوقع هستند و اهل رقابت؟! به دنبال آن هستند که با کسی ازدواج کنید که چشم همه فامیل خیره بماند و دهانشان از حیرت باز، و شما باید گوی سبقت دختران یا پسران فامیل را برابرید؛ یا آن که خانواده تان سنگ می اندازند و با هر انتخاب شما مخالفت می کنند و از عواقب ازدواج می ترسانند، گاهی هم به جای شما

گزینش همسر می کنند و تصمیم به ازدواج می گیرند، گویی که آنها می خواهند بر سر سفره عقد بنشینند.

راه حل

آگاهانه و بی هیچ شک و شبهه ای دست به انتخاب بزنید. معیارها و انتظارات خود و خانواده تان را سبک و سنگین کنید و به یک سری معیارهای اصلی و مورد تأیید دست یابید؛ سپس قدرت تصمیم گیری خود را حاکم کنید، با کمال احترام و ادب به خانواده تان بفهمانید که تصمیم گیرنده نهایی خود شما هستید. در مسیر انتخابتان به راهنمایی های دلسوزانه و عاقلانه آنها دل خواهید سپرد و گوش به فرمانشان خواهید بود. اگر مخالفت های خانواده، ترسی به دلتان انداخته است، بهتر است از فردی عاقل و بالغ مشورت بگیرید تا به یقین بدانید که آیا آنها هم راجع به انتخاب شما نظری مبهم و سرشار از تردید دارند یا خیر؟ اگر نظرات را موافق خانواده دیدید، دست از تعارض بردارید و دور عشق آتشین را خط قرمز بکشید، چون دیدگاه خانواده تان عین حقیقت و توأم با آینده نگری است و رنگ و بوی مخالفت بی جا نمی دهد.

اما اگر چنین نبود بر سر انتخابتان باقی بمانید و با بهانه گیری ها و سختگیری های بی اساس خانواده مقابله کنید و با دلیل و برهان و استمداد از بزرگان فامیل، آنان را راضی به وصلت کنید. حقیقت مسلم آن است که شما باید با انتخابتان زیر یک سقف بروید نه خانواده تان! پس حاضر به وصلت با فردی که خانواده شما می خواهد ولی شما نمی خواهید، نشوید. / ضمیمه چاردیواری

نسرین صفری / مشاور